

عشق در سینما  
عاشقان مصلوب

صالح نجفی



کتابخانه  
موسسه  
فهرست مطالب  
بخش اول



نشر لگا

## فهرست مطالب

۷	..... مقدمه
۱۷	..... ۱. مرور فیلم
۲۵	..... ۲. واکاوی فیلم
۵۱	..... کتاب نامه
۵۳	..... تمایه

### مقدمه

آشپز: غذاهای رژیمی ۳۰ درصد مالیات اضافی دارند، محرک‌های جنسی ۵۰ درصد. اما بر اساس آنچه دیدم باید بگویم عاشق شما نیازی به این جور چیزها نداشت.

همسر: تو چه دیدی؟ بگو، می‌خواهم بدانم. آخر کسی جز تو خیر نداشت. دل همه به حال من می‌سوخت. تو هم همین‌طور. اگر شاهی نداشتی باشم از کجا بدانم او واقعاً عاشقم بود؟

آشپز: اگر عاشقتش بودی، خیلی ضروری به نظر نمی‌رسد.

همسر: اتفاقاً، خیلی ضروری است! به من بگو چه می‌دانی.

آشپز: من چیزهایی دیدم که خودت اجازه دادی ببینم.

همسر: البته. اگر کس دیگری نبود که کارهای ما را تماشا کند

از کجا می‌دانستم رابطه‌مان واقعی است؟ به من بگو چه

دیدی؟ نکند خجالت می‌کشی بگویی؟

آشپز: نه. دیدم که تو را می بوسید... جامه هایت را می کند...

همسر: من چه می کردم؟

آشپز: می دیدم که می بوسی اش. می دیدم که در آغوش می کشد...

همسر: آیا عاشقان همیشه همین شکلی معاشقه می کنند؟

آشپز: پدر و مادر من که همین شکلی معاشقه می کردند.

همسر: واقعاً؟ با چشم های خودت دیدی؟

آشپز: در سینما هم عاشقان بعضی وقت ها همین شکل رفتار می کنند.

همسر: نه، این مهم نیست.

آشپز: در عالم خیال من (فانتزی) هم همیشه همین شکل است.

همسر: هیچ وقت حسودی نکردی؟ به ما حسودیت نمی شد؟ نمی خواستی به ما ملحق شوی؟ اگر می خواستی، حالا کمک کن.

آشپز: نه، جرجینا.

همسر: برای زنده نگه داشتن خاطره ما که در آشپزخانه تو و در فانتزی های تو معاشقه می کردیم، حالا کمک کن.

آشپز: نه.

همسر: برای زنده نگه داشتن خاطره معاشقه پدر و مادرت، حالا کمک کن.

اورسن ولز در گفت و گو با خوان کوبوس، میگوئل رویو، و خوزه آنتونیو پیتا درباره اقتباس عالی اش از محاکمه ی کافکا، گفت وگویی که در شماره ۱۶۵ کایه دوسینما در آوریل ۱۹۶۵ به چاپ رسید،\* می گوید، «دوست ندارم "سکس" را روی پرده زشت و نابهنجار نشان دهم. این به خاطر اخلاق گرایی یا پاکیزه گرایی نیست؛ مخالفت من صرفاً جنبه زیباشناختی دارد.» و سپس توضیح می دهد که معتقد است دو چیز هست که به هیچ وجه نباید روی پرده نشان داد: اجرای واقعی عمل جنسی و دعا به درگاه پروردگار. «وقتی بازیگری ادای عمل جنسی را درمی آورد یا وانمود می کند مشغول دعا است اصلاً باورم نمی شود. این دو چیز فوراً حضور دستگاه نمایش و پرده سینما و یک مشت متخصص فنی و کارگردانی را که می گوید، "خوب است. قطع!" به یاد می آورد. و بعد می توانم تصورشان کنم که خود را آماده می کنند تا نمای بعد را قلمبرداری کنند. درست مثل بازیگری که سعی می کند ظاهری عرقانی به خود بگیرد و مضطربانه به نورافکن نگاه می افکند...»

شاید این مهم ترین چالش سینما باشد: عشق را چگونه باید، اگر اصلاً بتوان، روی پرده نشان داد/ بازنمایی کرد؟ و یادمان باشد، اگر سینما نبود به احتمال زیاد آدم ها به شیوه دیگری معاشقه می کردند یا شاید آدم ها می بایست به فکر راه های دیگری برای

\* این گفت وگویی خواندنی و مهم را رحیم قاسمیان ضمیمه ترجمه خود از کتاب سینمای اورسن ولز کرده است. بنگرید به جوزف مک براید، سینمای اورسن ولز، انتشارات سروش، چاپ اول: ۱۳۷۴.